

# اهداف و نشانه‌های تحقق درس‌ها چراغ راه آموزگار در ارزشیابی توصیفی

زهراسادات یاسینی

## اشاره

کارشناسان و معلمان، در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، اهداف و نشانه‌های تحقق کلیه‌ی درس‌های دوره‌ی ابتدایی را تهیه کرده‌اند و این نتایج در کتاب راهنمای معلم و ارزشیابی توصیفی به چاپ رسیده است.

زهراسادات یاسینی از اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله است. با دیدن مقاله‌ی مریم عبدی از مشهد و برای رفع پاره‌ای ابهامات در زمینه‌ی ارزشیابی توصیفی، در بخش «سردبیر شما میاید» از نظرات وی استفاده کردیم.

در دوره‌های ضمن خدمت آموزش آموزگاران تابستان ۹۳، ارزشیابی از برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی با رویکرد توصیفی به‌عهده‌ی اینجانب گذاشته شده بود. در شروع کلاس، آموزگاران سؤالاتی را مطرح می‌کردند که برایم تعجب‌آور بود. به‌طور مثال، وقتی دانش‌آموزانم نمرات ۱۷ تا ۲۰ می‌گیرند، به آن‌ها بسیار خوب می‌دهم. آن‌ها و اولیای ایشان اعتراض می‌کنند که چرا به نمره‌ی ۱۷ بسیار خوب می‌دهید و به نمرات بالاتر هم همین‌طور. از صحبت‌هایشان دریافتم که در فرایند یادگیری، بازخوردهایشان را به‌صورت سلیقه‌ای و به عبارت دیگر، ابتدا به‌صورت نمره و سپس رتبه‌بندی شده اعلام می‌کنند و این عمل نه‌تنها برخلاف اهداف ارزشیابی توصیفی است، بلکه پیامد نامطلوبی را به همراه خواهد داشت. در آن زمان، تصمیم گرفتم در این مورد مطلبی بنویسم، و لیکن مشغله‌های زندگی امانم نداد، تا اینکه مطلب سرکار خانم **مریم عبدی** با عنوان «اعدادم آرزوست» برای کارشناسی به دستم رسید. مقاله‌ای که بعداً در رشد آموزش ابتدایی آبان‌ماه ۱۳۹۴ به چاپ رسید.

ایشان نیز اشاره کرده‌اند که برخی از آموزگاران نمرات را به مقیاس تبدیل می‌کنند و با این کار، دانش‌آموزی که سه غلط دارد، با دانش‌آموزی که هیچ غلطی ندارد، برابر می‌شود و هر دو بسیار خوب می‌گیرند. این امر گریه‌های دانش‌آموزان را در پی دارد.

# مادر بر غنچه‌ی گل شکفتن آموخت

اصغر ندیری

در این شماره از مجله، به بهانه‌ی برگزاری همایش بزرگداشت دکتر غلامحسین شکوهی در زادگاه او از سوی معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، ویژه‌نامه‌ی بزرگداشت استاد غلامحسین شکوهی را خواهید خواند. آنچه قابل توجه می‌نماید، عشق و

علاقه‌ی استاد به مادرشان است. به‌طوری که در بیشتر جاها نویسندگان ما به آن اشاره کرده‌اند، و چقدر این کلمه‌ی زیبا پر دامنه شده است.

اینجانب هم پس از دیدن مطالب رسیده به این واقعیت شیرین رسیدم که دکتر شکوهی بسیار از مادر تأثیر گرفته است و آیا این موضوع در جامعه‌ی ما امری غریب است؟

هر صبح مادران دستان کودکان خود را در دست می‌گیرند و گاه با در آغوش داشتن دل‌بندی دیگر، نوگل خود را به‌سوی بوستان علم و ادب رهنمون می‌شوند. بیت معروف شاعر خوش‌قریحه، **ایرج میرزا**، در اینجا ندای می‌شود که فرموده است:

دستم بگرفت و پا به پا برد  
تا شیوه‌ی راه رفتن آموخت  
یک حرف و دو حرف بر زبانم  
الفاظ نهاد و گفتن آموخت

آری، هر صبح مادران با لقمه گذاشتن در دهان دانش‌آموز یک حرف و دو حرف توانمندی، مهر و علم را در کام او حلاوت می‌بخشند تا بدانیم هستی من ز هستی اوست و بدانیم تا هستم و هستم، دارمش دوست.

حضرت مادر، **شکوهی** جوان را پس از هر نماز دعا می‌کند. کودکی در دامن پرمهر مادر چشم‌اندازی دیگر دارد.

مادران آموزگار ما نیز در این جرگه جای دارند. آن‌ها نیز هر یک مادری هستند که شکوهی‌ها را در بغل دارند و آن‌ها را با سحر کلام پرورش می‌دهند. آیا هر صبح یا هر وقت شروع دبستان، به واقع می‌توانید مادران برتر را از یکدیگر تمیز دهید؟ مادر، مادر است، در هر لباس و هر مکان، چه پشت در مدرسه و کلاس و چه روبه‌روی تخته و در حال تعلیم. باز هم ایرج درباره‌ی مادر می‌گوید:

لبخند نهاد بر لب من  
بر غنچه‌ی گل شکفتن آموخت

آیا سخن گفتن با دانش‌آموز به غیر از گل گفتن و گل شنیدن است؟



نوشته‌ی ایشان باعث شد قلم به دست بگیرم و در مورد نحوه‌ی قضاوت از یادگیری دانش‌آموزان و ارائه‌ی بازخورد آنان مطالبی بنویسم تا شاید کمتر نظاره‌گر ناراحتی‌های دانش‌آموزان باشیم.

سؤال‌های آموزگاران و مطلب خانم عبدی نشان می‌دهد که برخی از همکاران به دلیل بی‌اطلاعی از اهداف و نشانه‌های تحقق درس‌های دوره‌ی ابتدایی، به‌طور شخصی معیارهایی را تعیین و براساس آن درباره‌ی دانش‌آموزان قضاوت می‌کنند. این ناآگاهی آموزگار و اولیا و دانش‌آموز، نه تنها فعالیت‌های آموزشی را به بیراهه می‌کشاند، بلکه باعث مخدوش شدن ارتباط آموزگار با دانش‌آموز و اولیا می‌شود.

بر کسی پوشیده نیست، معلمان برای اینکه در فرایند آموزش، دانش‌آموز و اولیای وی را از پیشرفت تحصیلی آگاه کنند، به مجموعه شاخص‌هایی نیاز دارند تا میزان یادگیری دانش‌آموز را با آن مقایسه کنند و براساس آن بازخورد مناسب بدهند، و لیکن نکته‌ی مهم، نوع و کیفیت معیارها و بازخوردهاست.

در تعریف ارزشیابی توصیفی آمده است: «برای شناخت دقیق و همه‌جانبه‌ی فراگیرندگان در ابعاد گوناگون یادگیری، با استفاده از ابزارها و روش‌های مناسب مانند کارپوشه، آزمون‌ها (با تأکید بر آزمون عملکردی) و مشاهدات در طول فرایند یاددهی - یادگیری اطلاعات معتبر و مستند فراهم شود تا براساس آن، بازخوردهای کیفی مورد نیاز برای کمک به یادگیری و یاددهی بهتر در فضای روانی و عاطفی مطلوب برای دانش‌آموز، معلم و اولیا حاصل آید.

بنابراین، ایجاد فضای روانی و عاطفی امن و مطلوب، رشد همه‌جانبه‌ی فراگیرندگان، کمک به بهبود یادگیری دانش‌آموزان، ارائه‌ی بازخوردهای کیفی مورد نیاز و اطلاعات معتبر، از تأکیدات مهم ارزشیابی توصیفی هستند و این نتایج زمانی حاصل می‌شوند که معلم از اهداف<sup>۱</sup> و نشانه‌های تحقق (رفتارهایی که باید از دانش‌آموز سر بزند تا مشخص شود اهداف محقق شده است) هر یک از درس‌ها و نحوه‌ی ارائه‌ی بازخورد اطلاع کافی داشته باشد؛ زیرا این آگاهی از یک‌سو سبب می‌شود

جریان یادگیری در راستای اهداف هدایت شود و آموزگار در صورت مشاهده‌ی نقص در یادگیری، با طراحی و اجرای فعالیت‌های اصلاحی و جبرانی مناسب، امکان تحقق اهداف را فراهم آورد و از سوی دیگر، با آگاه کردن اولیا و دانش‌آموزان در مورد دامنه‌های اهداف و نشانه‌های تحقق و سطوح عملکرد، جریان یادگیری و ارتباط عاطفی با مخاطبان خود را به‌نحو مطلوب مدیریت کند و بهداشت روانی دانش‌آموزان را نیز تأمین کند. در واقع، اهداف، نشانه‌های تحقق و سطوح عملکرد چراغ راهی برای معلم‌اند که نشان می‌دهند او در کجا باید تأکید بیشتری داشته باشد.

آموزگاری که آگاهی‌های لازم را برای اجرای ارزشیابی توصیفی کسب کرده باشد، در مورد معیارهای قضاوت شناخت کافی دارد و در عین حال که بازخوردهای متنوع و متعدد و توصیفی در راستای اهداف ارائه می‌دهد، در طول فرایند یادگیری، از ارائه‌ی بازخوردهای کلی یا نمره‌ای و رتبه‌ای می‌پرهیزد. به‌طور مثال، اگر دانش‌آموز بدخط نوشته باشد، ارائه‌ی بازخورد «دقت کن» کارساز نخواهد بود. چون دانش‌آموز نمی‌داند کجای کارش اشتباه است و نمی‌تواند برای بهتر شدن تلاش عملی انجام دهد. در واقع، دانش‌آموز اطلاعاتی از کیفیت کارش نمی‌گیرد و توصیه‌ای هم برای پیشرفت کارش دریافت نمی‌کند. پس بازخورد باید دقیقاً در راستای اهداف روی مشکل دانش‌آموز متمرکز شود و راهنمایی صورت پذیرد. در مورد مثال فوق، شاید دانش‌آموز فاصله‌ی بین کلمات را به‌طور مناسب رعایت نکرده یا شاید اندازه‌ی حروف را به‌صورت ناهماهنگ نوشته باشد. بالاخره باید مشکل را به‌صورت روشن و قابل فهم برای دانش‌آموز توضیح داد. به‌طور مثال، انحنایها را خوب رعایت کرده‌ای، فاصله‌ی بین کلمات هم خوب است، اما بعضی حروف را خیلی ریز و بعضی را خیلی درشت نوشته‌ای. از این به بعد سعی کن اندازه‌ی حروف را هماهنگ بنویسی و با... این راهنمایی می‌تواند به‌صورت کتبی و شفاهی صورت گیرد.

### مثال

یکی از اهداف مهارت نوشتن در پایه‌ی

سوم ابتدایی «بندنویسی» است. نشانه‌های تحقق این هدف یا معیارهای قضاوت آن عبارت‌اند از: «دانش‌آموز در بندنویسی موضوع را انتخاب و محدود کند و جمله‌ای درباره‌ی موضوع بنویسد و سرانجام با رعایت نشانه‌های نگارشی بند منسجمی بنویسد». بر این اساس، آموزگار در مورد کار دانش‌آموز قضاوت می‌کند و بازخورد توصیفی ارائه می‌دهد: بازخورد معلم به دانش‌آموز خود می‌تواند چنین باشد:

«آخرین بندی که قبلاً نوشته بودی دو جمله‌ای بود، اما این بار یک بند چهار جمله‌ای نوشته‌ای. جای هر جمله را درست انتخاب کرده‌ای، علائم نگارشی را صحیح گذاشته‌ای. دفعه‌ی بعد سعی کن جمله‌ی اول آن مقدمه‌ای بر سایر جمله‌ها باشد.»

زمانی ما در مورد دانش‌آموزان قضاوت رتبه‌ای (بسیار خوب و...) انجام می‌دهیم که در طول یک نوبت، از روش‌های گوناگون (آزمون‌های شفاهی، مشاهده‌ی فعالیت‌های دانش‌آموز، گفت‌وگوهای رسمی و غیررسمی و تکالیف) اطلاعات کافی به‌دست آورده باشیم و بخواهیم به مدرسه و اولیا گزارشی رسمی ارائه دهیم. بدیهی است، در این گزارش، مهارت و دانشی را که دانش‌آموز کسب کرده است و مشکلات دانش‌آموز همراه با راهنمایی‌های لازم برای هدایت

او، با توجه به اهداف درس و توانایی او، مطرح خواهد شد و معلم خود نیز برنامه‌ریزی‌های لازم را برای رفع مشکلات دانش‌آموزان انجام خواهد داد.

